

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نښاد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

فرستنده: گروه پروسه
شورش رها
۲۵ اکتوبر ۲۰۱۳

اعدام: ترکیه جمعی گناهان

پیشگفتار

هیچ فاجعه ای دردناک تر از مرگ انسان نیست. بزرگترین غمی که کسی در زندگی تجربه می کند از دست دادن عزیزی است. چه این فرد گناهکار باشد چه میرا. این غم فاجعه آمیز می شود آنگاه که عزت انسانی زیر پا گذاشته می شود، و انسانی چون حیوانی به مسلخ برده شده، اعدام می شود. این روزها این درد را همه احساس می کنیم، از پس از انقلاب ۵۷ تا امروز انواع مختلفی از اعدام را دیده ایم، قانونی که پیش از آن نیز در ایران با کیفیتی تقریباً مشابه اجراء می شد: از اعدامهای روزهای نخستین انقلاب تا اعدامهای دهه شصت، چه به دار آویختن گروهی قاچاقچیان، چه اعدام در ملاعام خفاش شب که حتا از تلویزیون سراسری هم همزمان پخش شد، و چه اعدام اشرار و سارقان مسلح، و حتا فعالان سیاسی، و حتا اعدام آن دو زورگیر که به اتهام دزدی و زورگیری تنها ۷۰ هزار تومان در فرهنگی ترین نقطه پایتخت، خانه هنرمندان، در برابر چشمان بسیاری به دار آویخته شدند و چه احکام اعدام زانبار و لقمان مرادی - زندانیان سیاسی کرد، رحمان عساکره، هاشم شعبانی نژاد، محمدعلی عموری، هادی راشدی، مختار و جابر البوشوکه - از فعالان مدنی و فرهنگیان عرب خوزی و غلامرضا خسروی سوادجانی که در انتظاری ملتهد هنوز لغو نشده اند، تا بسیاری از موارد که شاید آمار آنها در طی یک سال از تعداد روزهای سال نیز بیشتر شوند.

این که جرم هر یک از این معدومین یا محکومین به اعدام چه بوده، و آیا این حکم متناسب با جرم ارتكابی هر یک بوده است، موضوعی نیست که این روزها مورد بحث و پیگیری مجامع و سازمانهای حقوق بشری است. لغو حکم اعدام ضرورتی است برای حفظ شأن انسانی. و شعار این که خون خون می آورد و نه تنها از آمار جرم و جنایت نمی کاهد بلکه با اعدام در ملا عام قبح و ترس از این نوع مجازات نیز می ریزد استدلال بسیاری از این فعالان است. موضوع دردناک تر از نفس اعدام، انجام این حکم در ملاعام و شرکت داوطلبانه جمع کثیری از مردم برای تماشای اجرای حکم است. واقعیتی که بحثهای زیادی را این روزها به پا کرده است. این کوتاه نوشت قصد دارد تنها بخشی از وجود تمایل به اعدام در جوامع و دلایل شهود و نظاره اجرای حکم در میان جمع را به طور خلاصه دوره کند.

اعدام، هنوز متداول ترین حکم قضائی

مسأله حکم اعدام و نظرات مخالف و موافق با آن نه مبحثی تازه است و نه مختص به ایران. کمپاینها و جمعیتهای مختلفی در سراسر دنیا سالهای طولانی و متمادی است که برای توقف و لغو این حکم در کشورهای مختلف جهان

فعالیت‌های گسترده ای دارند. طبق آماری که سازمان عفو بین الملل (Amnesty International) در ماه مارچ ۲۰۱۲ از پراکندگی حکم اعدام در سال ۲۰۱۱ منتشر کرده است [هنوز آمار ۲۰۱۲ منتشر نشده است] [۱] هنوز ۱۳۹ کشور در دنیا قانون اعدام را به عنوان حکم قضائی قابل اجراء به رسمیت می شناسند. در میان این ۱۳۹ کشور که در مجموع آمار ۶۷۶ نفر معدوم در سال ۲۰۱۱ را دارا هستند، نام پنج کشور در صدر جدول اجرای حکم اعدام قرار می گیرد. به ترتیب بیشترین تعداد: چین (آمار دقیق معدومین به علت عدم گزارش چین مشخص نیست)، ایران (۲۷۶ نفر)، کوریای شمالی (۳۰ نفر)، یمن (۲۹ نفر) و ایالات متحده (۴۳ نفر) به عنوان تنها عضو گروه جی ۷ که هنوز قانون اعدام در آن اجراء می شود.

طبق همین آمار گرچه هیچ مورد اعدام از طریق سنگسار در سال ۲۰۱۱ گزارش نشده، اما روش‌هایی چون سر بریدن، دار زدن، صندلی الکتریک، تزریق و تیرباران همچنان به کار گرفته شده است. در بین این کشورها تنها چهار کشور اقدام به اعدام در ملا عام کرده اند: ایران، کوریای شمالی، عربستان سعودی و سومالی.

آمار دلخراش تر و البته نگران کننده تر، با تمام خوش بینی سازمان عفو بین الملل به خاطر تقلیل شمار گزارشات رسمی در سال ۲۰۱۱ نسبت به ۲۰۱۰، این است که بالغ بر ۱۹۲۳ نفر تا تاریخ تنظیم این گزارش (این احتمال می رود که تا امروز این شمار به بسی بیش از ۲۰۰۰ نفر رسیده باشد) در طی یک سال حکم قطعی اعدام گرفته اند و در انتظار اجرای حکم هستند که در این میان پاکستان با ۳۰۳ نفر و مالزی با ۱۰۸ نفر رکورد دارند. در مجموع هفده هزار و نهصد و پنجاه و یک نفر در جهان منتظر اجرای حکم اند و ساعت برای بیشترین تعداد آنها در پاکستان و عراق (در مجموع نزدیک به ۳۰۰۰ نفر) شمارش معکوس می خواند (کسانی که از سال ۲۰۰۷ تا پایان ۲۰۱۱ حکم گرفته اند). در این آمار ایران با ۱۵۶ نفر از ایالات متحده با ۵۰۴ نفر عقب افتاده است!!!

این که تلاش‌های سازمان‌های حقوق بشری و فعالان مبارزه با قانون اعدام طی این سالها (گذشته از تلاش‌های تاریخی اواخر قرن هجده به طور خاص از ۱۹۶۶ به بعد) [۲] تنها توانسته اند در یک کشور و آن هم کامرون این قانون را به کلی ملغا کنند - البته تعبیرشان از کاهش تعداد معدومین و یا محکومین به اعدام نتیجه بخش بودن تلاش‌های بیشمار این سازمانها بوده و نه وجود موارد کمتر که شامل محکومیت اعدام می شوند- دلایل عدیده ای دارد. شاید بتوان ریشه این تمایل جهانی به اجراء و حفظ این قانون را در لایه هائی عمیق تر در فرهنگ جوامع بیابیم.

قربانیان دیروز، معدومین امروز

باور غالب این است که اعدام حکمی است که در ادیان الهی به عنوان «حق الهی» مطرح شده است و عامل اصلی آن باورهای مذهبی است. تحقیقی اجمالی در تاریخ و پراکندگی اجرای حکم اعدام در قاره ها و فرهنگ‌های مختلف ما را به مبدائی مغایر با این باور عمومی می رساند. این که اعدام از شکل قربانی کردن انسان و احشام در برابر خدایگان جوامع بدوی در نواحی که ادیان ابراهیمی هرگز نفوذ نکردند، مانند حوزه جغرافیائی اقوام مایا، افریقای مرکزی، جزایر اقیانوسیه، تا به امروز که به عنوان بالاترین حکم تعزیری برای جرائم بزرگ در کشورهائی که سکولار هستند، مانند ایالات متحده، تغییر شکل ظاهری داده است، ریشه ای عمیق تر و دورتر از زمان پیدایش مذاهب را مورد ظن قرار می دهد. احتمالاً فرهنگی که به طور خاص توانسته بیشترین مرزها را طی کند و همزمانی آن فرهنگ با فرهنگ‌های متناظر در دوره های زمانی همعصر به مقتضای سطح دانش و رشد مغزی بشر، شاید این فرهنگ که زمانی بر جغرافیای پهناوری تسلط داشته است بر فرهنگ‌های همسایه خود تأثیرگذار بوده و یا تأثیر پذیرفته اما با فرهنگ‌هایی که قرابت جغرافیائی نداشته بر باور کانتی از پیدایش مذاهب که همانا رشد مغزی بشر باشد صحه می گذارد.

این فرهنگ غالب، آئین میترائیسم بود. [iii] [۳] آئینی که از زمان ورود قوم ماد از آسیای مرکزی و ماوراء النهر به فلات ایران کم کم در سراسر آن گسترش پیدا کرد و بر تمام مذاهب بدوی و حتا پس از خود، از زرتشتی گرفته تا مانویسم و مزدیسنائیسم، تا نفوذ به اروپا، عبور از آسیای صغیر و بالکان و پیمودن مساحت گسترده ای تا ورای امپراتوری روم و تا اسکانديناوی، تمام افریقای شرقی و سواحل جنوبی مدیترانه و از شرق تا چین مستولی شد و در ادیان ابراهیمی یهودیت، مسیحیت و اسلام نیز نفوذ کرد. [iv] [۴] میترائیسم را با دو باور چیره بر تمام احکام و آئینهایش می شناسیم: تقدس خورشید و گاو. خورشید، واژه ای مرکب از دو واج خور به معنای آتش و یا آفتاب و شید به معنای درخشنده. [v] [۵]، نامی که بر میترا یا مهر گذاشته شد و بعدها خور به معنای خدا به کار رفت. و گاو. ارتباط گاو و میترا که در الواح پارسی تا زمان ساسانیان و در باقیمانده های مهرابها دیده می شود، به اسطوره ای باز می گردد که میترائیسم بر آن بنا نهاده شد. اسطوره جنگ میترا فرزند هورمزد با گاو که میترا پس از رام کردن آن و نشستن بر پشتش و آوردن به غار خود با خنجرى پشت او را می شکافت و خون او را که سهم خود بوده (میترا سگ و ماری را برای لیسیدن خون گاو می برد که در میترائیسم سگ نقش پاسداری و مار زندگی بخشی را ایفا می کردند؛ و عقربى برای نیش زدن به بیضه های گاو، بخشی که سهم اهریمن بوده است، آورده بوده) بر سراسر زمین می پاشد و در ضیافتی خون گاو را بسان شراب، گوشتش و نانی را به همراه ایزد خورشید می خورند و می نوشند که به شام آخر معروف است و سپس سوار بر ارابه ایزد خورشید به آسمان می رود تا در روز رستاخیز، روزی که آتشی بزرگ جهان را فرا می گیرد برای نجات باورمندانش باز گردد. [vi] [۶]

شباهت زیاد این داستان اسطوره ای به داستان زایش مسیح و عروج او و همچنین به داستان موسی و طور، آیاتی در قرآن با مضمون خداوند نور است، و داستان برخاستن منجیان عالم از نطفه زرتشت در دریاچه ارومیه، وسعت تأثیرگذاری میترائیسم را صحه می گذارد. آنچه به عنوان عنصر بارز در میترائیسم مطرح است آئین قربانی کردن است. دکتر فریدون آورزمانی در مقاله «آئین قربانی»، در بخش «نذر داوودی، بازمانده یک رسم کهن مهری» قربانی کردن گاو به دست مهر (میترا) را نمادی از «رستاخیز جهان» بر می شمرد. [vii] [۷] و رسم نذر داوودی که همچنان در میان ساکنان غرب ایران و کرمانشاه چه در بین مسلمانان چه یارسان متداول است که گاو نر را به نام علی (در بین اهل حق) و برای رستاخیز بشری می کشند و از بدن و خون او طعامی پخته و می خورند، را ادامه همان باور قربانی گاو در میترائیسم می داند.

اما این که چرا باید مهر گاو را قربانی می کرد و خون او را تقسیم می کرد مقداری خود می خورد و بیضه ها و منی گاو را به اهریمن می داد ما را به درون تاریخ پرت می کند، به چند هزار سال پیش از رواج میترائیسم. اولین آئین شناخته شده در جهان، یعنی زروانیسم.

زروانیسم که بسیاری آن را مادر میترائیسم می شمارند، زروان، یا همان زمان، را به عنوان خدائی زایا اما بی اثر ترسیم می کند. زروان، خدای بلامکان بلا زمانی است که پیش از پیدایش دنیا از ازل بود و خواهد بود و نقش او تنها تعیین سرنوشت است. گستره باور به زروان از آسیای میانه تا بین النهرین (بر اساس الواح بابل) در تمام آئینها، مکاتب و ادیان این سرزمینها وجود داشته است. آزنیک، کشیش ارمنی در سده پنجم میلادی به شرح داستان زروان اینگونه می پردازد که زروان هزار سال قربانی کرد تا صاحب پسری شود. در واقع قربانی کردن در زروانیسم اهدای حیات به خداوند لایزالی بود که سرنوشت بشریت را رقم می زد. پس از هزار سال قربانی کردن به شک آمد که آیا این قربانیان می توانند در او نطفه پسری بکارند. در این شک بود که هورمزد و اهریمن هر دو در یک زمان در زهدان زروان نطفه بستند. هورمزد بر اثر دمیدن خون قربانیان و اهریمن بر اثر تردید. پس او تصمیم گرفت که اولین پسری که به دنیا آید را ایزد جهان کند. چون هورمزد این را شنید و به اهریمن گفت، اهریمن زودتر از آن که

تکامل یابد شکم زروان را شکافت و به دنیا آمد، اما چون بوی بدی می داد و سیاه رو بود زروان به وعده خود عمل نکرد و صبر کرد تا هورمزد پس از تکامل زاده شود. سپس هورمزد را ایزد تمام ایزدان کرد و اهریمن را شهریاری ۹ هزار ساله داد که پس از ۹ هزار سال باید شهریاری را تمام و کمال به هورمزد ببخشد. هورمزد در هنگام تولد شاخه های قربانی یا همان برسم در دست داشت و زروان به او گفت: «تا کنون من برای تو قربانی می کردم، از این پس تو باید برای من قربانی کنی». آزنیک در ادامه این داستان می گوید که وقتی اهریمن از هورمزد خواست که با او طعامی تناول کند و چون پسران اهریمن و هورمزد هنوز نجنگیده بودند هورمزد نپذیرفت و پس از آن که پسر اهریمن پسر هورمزد را بر زمین زد آنها خورشید را داور کردند و از آن پس مهر بر زمین آمد تا بین فرزندان اهریمن و هورمزد دآوری کند. و الباقی داستان که در مهرپرستی با تولد مهر در یلدا به دست خورشید آغاز می شود. [viii] [۸]

عناصری که در زروانیسم هزاره ها بر فرهنگ اقوام اوراسیا سیطره یافت به طور خلاصه این چند است:

۱. خداوند زمان، ازلی و ابدی، نقش این خدا رقم زدن سرنوشت جهان است. این سرنوشت آنگاه خیر رقم می خورد که برای او قربانی می شد. در واقع ریختن خون نزدیک شدن به خالق است که اختیار بشر را از او می گیرد و این تنها راه قرابت و تغییر این سرنوشت است.

۲. نیکی و خداوندگار نیکی، اهورامزدا یا هورمزد، با خون قربانیان است که جان می گیرد. پس قربانی کردن برای تعویذ سرنوشت شوم و پاک شدن از گناه و رسیدن به پاکی و نیکی است.

۳. اهریمن یا خدای پلیدیها که در شب به دنیا آمد، آنگونه که تنوپومپوس صراحتاً می گوید، نیز قربانی می گیرد. قربانی کردن برای اهریمن نوعی کیفر گناهان است، آنچه حکم اعدام را برای پاکی گناهان موجه می کند. در واقع اهریمن باید آنقدر قربانی بگیرد تا به اندازه هورمزد به تکامل برسد و طی این نه هزار سال زمین را از پلیدی پاک کند و آماده تحویل به هورمزد سازد.

۴. وعده نه هزار سال ظلمت و پلیدی و سپس رستاخیز. آنچه در میان اقوام مایا نیز وجود داشته است. و همین ۲۱ دسمبر ۲۰۱۲ را بر اساس این باور، آغاز دوران جدید جهان و ورود به صورت فلکی دلو را، گذشت از آتش و ورود به آب و پاکی، در بسیاری از نقاط جهان جشن گرفتند.

آئین قربانی در ادیان الهی به شدت تحت تأثیر فرهنگ کهنی بوده است که در ازمنه باستان بر پهنه گسترده جغرافیائی سایه افکنده بوده است. گرچه طی مرور زمان و با پیدایش ادیان الهی، از دین بهی و زرتشتی که تمام خدایان آئین میترائیسم را به جز میترا نفی کرد و دوگانه پرستی زروانیسم، یعنی قدرت داشتن اهریمن، و وجود زروان به عنوان سرنوشتی که نفی اختیار از بشر می کرد را کاملاً رد کرد، به طوری که در گاتهای اوستا هیچ ردی از او نمی بینیم، اما همچنان مراسم قربانی برای خدای واحد، در زرتشتی اهورامزدا، در ادیان الهی پیش از ابراهیم قربانی کردن پسر ناپاک (مثل داستان نوح و لوط) و پس از ابراهیم ذبح چهارپایان (گوسفند به جای پسر در داستان ابراهیم نبی) آئین قربانی در عید فصح یهودیان، قربانی کردن در عید پاک مسیحیان (که چندین سده هست که منسوخ شده است) و قربانی گوسفند در عید اضحی (قربان) در بین مسلمانان، وجود دارد. این قربانی ها برای قرابت به خداوند است نه رفع گناه، از این رو گوشت و اعضای قربانی را می شود پخت و تناول کرد. آنچه میترا پس از قربانی کردن گاوانر کرد. و خونی که از قربانی بر سر همگان پاشید تا از گناهان پاک شوند. خونی که پاک کننده نطفه هورمزد بود.

اما نوع دیگری قربانی نیز همچنان در اغلب فرهنگها وجود دارد، و آن برای دفع بلاست و ممکن است در مراسمی چون ازدواج، تولد نوزاد، رحل مقام، پیروزیها، و یا پس از وقایع ناگوار در زندگی فرد انجام شود. در اغلب فرهنگها

این گوشت را نمی خورند (به جز شیعیان) بلکه خون آن را به وسایل یا بدن فرد می مالند. نوعی قربانی که برای اهریمن در زروانیسم می شد تا او نیز پاک شود. [ix] [۹]

قربانی کردن انسان و تزکیه جمعی

در تاریخ آشوریان آمده است که اقوام سامی موآب، جایی در اردن امروزی، برای خدای خود، چموش، پسران را قربانی می کردند. معروفترین این قربانی ها منسوب است به پادشاه دوم موآب، میشاء، که هر ساله یکی از پسران خود را قربانی چموش می کرد. وی برای یاری گرفتن در برابر حملهٔ اسرائیلیها به موآب و پس از قربانی کردن پسر ارشدش، نیاز به قربانی های بیشتری داشت، پس دستور داد که پسران نمونه ای را از هر طایفه به قربانگاه بیاورند. قربانگاهی که سلیمان نبی بر بالای کوهی مشرف به اورشلیم برای خدای چموش و الههٔ او یعنی آشتِرچموش بنا کرده بود. نکتهٔ جالب توجه این است که بسیاری از پسران داوطلبانه خود را به قربانگاه می بردند تا در چال بزرگی که در آن آتش بود خود «برای وطن» قربانی کنند. [x] [۱۰] رسمی که بعدها به عنوان جهاد، شهادت طلبی و انتحار در اسلام و حتی شهادت در راه وطن در بین جوامع لائیک همچنان دیده می شود.

چنین رسمی در بین مردم سیسیل هم بود. در زمان آگاتوکلس، پادشاه سیسیل، کودکان ذکوری را تنها برای قربانی کردن و سوزاندن برای دفع حملات به شهر پرورش می دادند. تفاوت این نوع قربانی با آنچه در موآب بود در مراسمی بود که این قربانی کردن به طور دسته جمعی صورت می گرفت، تمام مردم شهر جمع می شدند و حتی برخی داوطلبانه به گروه قربانیان می پیوستند. این باور وجود داشت که قربانی گروهی در جمع گناه جمع را پاک می کند و در برابر این اتحاد رحمت خدا ارزانی جمع می گردد. [xi] [۱۱]

آئین قربانی کردن در ملاء عام و تقسیم خون بین جمع، آنگونه که پژوهشگر معروف قرن نوزدهم رابرتسون اسمیت می گوید، در بین اقوام سامی بسیار متداول بوده است. اعراب باور داشتند که اگر خونی از یکی از افراد قبیله ریخته شود و یا اگر فردی از افراد قبیله کشته شود «خون ما ریخته شده است». باور همخونی در قبایل سامی که در بین یهودیان اسرائیلی آئینهائی چون ذبح گاونر سرخ را زاده بود، منشأ دو نوع قربانی در بین مردمان این منطقه شده بود: ۱. قربانی چهارپایان سم دار (بز، گوسفند و یا شتر در شبه جزیره) که در این قربانی تمام اعضای قبیله شرکت می کردند و پس از آنکه خون قربانی ذبح شده را به صورت و لباسهایشان می مالیدند در حالی که حیوان هنوز اعضای بدنش گرم بود و نبض داشت بر روی آن می افتادند و هر یک با چاقویی بخشی از بدن او را می کنند و می خوردند. بعدها (پیش از فتح مکه) این کار را در کعبه انجام می دادند و طی مراسمی خون را به دیوارهای کعبه می مالیدند. بر این باور که رفق خویشاوندی به وجود بیاید، چون آنها همه در خونی شریک شده بودند. در بین یهودیان تا پیش از تخریب معبد اورشلیم هم چنین رسمی بود و خون را به درگاه و دیوارهای خانهٔ شان می مالیدند. در معابد یهودیان پیش از تخریب اورشلیم دو صحن وجود داشت که یکی از آنها تنها به عنوان قربانگاه استفاده می شد. در این نوع قربانی تنها تقرب به خدا مد نظر بود نه کفاره.

۲. اعدام و قربانی انسان. در کتب عهد عتیق، از ده فرمان تا کتب پس از آن، احکام فراوانی برای اعدام به روشهای مختلفی از بریدن و قطع عضو تا سوزاندن و حتی سنگسار آمده است که مختص به بدترین گناهان می شود. در مورد گناهان صغیره کفاره با قربانی کردن پرنده ای (کبک یا کبوتر) و یا چهارپائی و مالیدن خون او بر سر و یا گوشهای خاکی پرداخته می شود. اما در مورد گناهان کبیره، که آن دسته از گناهی است که حتی اگر در حوزه فردی افراد صورت بگیرد مانند زنا به منزله دست اندازی به اموال دیگران است، زن جزو مایملک مرد محسوب می شود [xii] [۱۲]، اعدام حکم قطعی و الهی است. گرچه در یهودیت قربانی کردن انسان ریشهٔ کهنه تری دارد و تنها برای کفاره

گناهان نبوده و بلکه بخشی از نذورات هم محسوب می شده (مانند داستان یفتاح و قربانی کردن دخترش پس از پیروزی در نبرد، و یا داستان قربانی کردن اسحق نبی به دست پدرش ابراهیم که در اسلام به داستان ذبح اسمعیل تغییر یافته است) این آئین بعدها تنها برای کیفر گناهان به کار رفت. آنچه بخش مهم این کیفر است لزوم انجام آن در ملاء عام است. مردم با حضور در زمان اعدام، چه اعدام با ریختن خون باشد چه بدون خونریزی مثلاً با سنگسار یا سوزاندن، در گناه این قتل شریک می شوند و این قربانی که برای کفاره گناه گروهی در پیشگاه خدا و دوری از غضب اوست باعث تزکیه جمع می شود. یکی از معروفترین این اعدامها، تصلیب مسیح بوده است، که به عقیده مسیحیان اسرائیلی او برای تزکیه قوم اسرائیل و رهائی آنها خود را در پیشگاه خدا، پدر، قربانی کرد. درست آنچه در میترانیسم و زروانیسم باوری ریشه دار برای هزاره ها بین اقوام بسیاری بود. [xiii] [۱۳]

در اسلام، اتفاقاً احکام اعدام، شهادت طلبی، و قربانی کردن بیش از یهودیت وجود دارد. با این تفاوت که در آئین اعدام یا قربانی انسانی، تنها مجازات نقض قوانین الهی مطرح است که گناه فردی و جمعی را پوشش می دهد، نه ارتزاق خدا. آنچه بسیار شباهت به همان سنت ارتزاق خدایان در آئینهای دیگر دارد در اسلام به تقرب و خشنودی پروردگار تعبیر می شود، پس گوشت قربانی قابل خوردن و انفاق است. در بحث قصاص، حقی که بر قصاص کننده است با پرداخت دیه معدوم پرداخت می شود، اما همواره باید خواهان قصاص در زمان اعدام شاهد باشد. در واقع زمانی که قربانی کردن، چه انسان چه حیوانات، برای کفاره گناهان، چه گناه فردی که مجازات می شود چه گناه جمعی، و یا دفع غضب خداوند در برابر سرپیچی از فرمان او (مانند کفر، شرک، و یا عناد با خداوند که در جوامع مذهبی که حکومت و یا مرزهای ملی مقدس پنداشته می شوند مانند ایران اسلامی، عربستان سعودی، اردن هاشمی، و یا ایالات متحده که تنها کشوری است که بر پول رسمی خود نام خدا را نوشته است و البته در مجلس سنا، سخنگویان زیر نوشته به نام خدا می ایستند و سوگند می خورند معاندت با خداست) باید در ملاء عام صورت بگیرد. تعداد افرادی که در مراسم اعدام شرکت می کنند بستگی به کبر گناه دارد که تا چه تعداد از جمعیت را در آن گناه شریک کرده است. این قانون نه تنها در اسلام، بلکه در یهودیت و حتا در سنن ریشه داری که عمق آن به هزاران سال می رسد ولی دلیل مذهبی خاصی در کتب مقدس آن ادیان یافت نمی شود (مانند مسیحیت که حکم اعدام ندارد اما بیشترین تاریخ اعدام را داراست) وجود دارد. برای مطالعه بیشتر و دقیق تر یکی از کاملترین منابع موجود، کتاب «قربانی در ادیان الهی» نوشته خانم فریده فقیهی، را پیشنهاد می کنم.

اعدام آری یا نه؟ مسأله این است

اینکه اعدام هنوز در بین ۱۳۹ کشور دنیا متداول است و جزو احکام قضائی برای ارتکاب جرمهای بزرگ (یا همان گناهان کبیره در ادیان ابراهیمی) محسوب می شود، دو جبهه گیری متقابل را در جوامع جهانی موجب شده است. گروهی که با استناد به منابع تاریخی، بالاخص تحقیقاتی که باستانشناسان و مؤرخین قرن نوزدهم انجام دادند، و تطبیق آن با حقوق بشر، گرفتن جان هر انسان ولو جان کس یا کسانی را گرفته باشد را تقبیح کرده و خواستار ملغا شدن این قانون تحت هر شرایطی هستند. و گروهی که همچنان اعدام را روش مؤثر کیفری در برابر گسترده شدن جرم در جامعه می دانند. گروه دوم همچنان جمعیت بیشتری را نسبت به گروه اول در جهان تشکیل می دهند. این گروه علاوه بر آن که قصاص را حق خواهان می دانند، اعدام را چاره ای برای جلوگیری از انتشار جرم می پندارند، مصرانه بر این واقعیت تأکید دارند که مجازاتهای سبکتری چون حبس ابد مستلزم هزینه هنگفت برای دولتها و تأمین این هزینه ها از مالیاتهای مردمی می شود.

اما فعالان حقوق بشری با استناد به دو ماده (ماده ۵: «هیچ کس نمی بایست مورد شکنجه یا بیرحمی و آزار، یا تحت مجازات غیرانسانی و یا رفتاری قرارگیرد که منجر به تنزل مقام انسانی وی گردد.» و ماده ۲.۱۱: «هیچ احدی به حسب ارتکاب هرگونه عمل یا ترک عملی که مطابق قوانین مملکتی یا بین المللی، در زمان وقوع آن، حاوی جرمی کیفری نباشد، نمی بایست مجرم محسوب گردد. همچنین نمی بایست مجازاتی شدیدتر از آنچه که در زمان وقوع جرم [در قانون] قابل اعمال بود، بر فرد تحمیل گردد.») و نیز به آماري که نشاندهنده آن است که با وجود قانون اعدام در کشورهای که اعمال این قانون می شود روند چندان چشمگیری در پائین آمدن نرخ جرم و جنایت گزارش نشده است، سعی به لغو کامل این قانون و افزودن ممنوعیت آن به مفاد اعلامیه حقوق بشر دارند.

گرچه فعالیتهای گسترده این گروه تا امروز در موارد بسیاری از اجرای برخی از حکمهای اعدام جلوگیری کرده است، اما موفقیت چشمگیری را در طیف وسیع به دست نداده است. شاید یکی از دلایل اصلی عدم موفقیت در نیل به این هدف انسانی، عدم توجه به ریشه های عمیق قربانی کردن و اعدام خواهی در فرهنگ جوامع است، ریشه ای که آنقدر عمیق است که در ضمیر ناخودآگاه فرهنگها، به طور نا محسوس، لانه کرده و از نسلی به نسل دیگر انتقال یافته است. شاید امروزه برای وجاهت بخشیدن به قانون اعدام دلیل تراشیهای منطقی و دست آویختن به فاکتها و آمارهای این گوشه و آن گوشه امکان پذیر است، اما آنچه به یکباره تعجب برانگیز می شود:

۱. مستوجب اعدام بودن یا نبودن جرم یا مجرم است، بحث بر سر این که آیا کسی که یک قتل کرده یا دست به قتلهای زنجیره ای یا کشتار دسته جمعی زده مستحق تر مجازات اعدام است یا کسی که ملحد شده یا اقدام علیه امنیت ملی کرده یا دزدی کلان کرده است؟ یعنی بر اساس همان ماده ۱۱ اعلامیه حقوق بشر، حدود مجازات مشخص نشده پس این ماده از قانون قابلیت تغییر طبق شرایط جزائی حکومتها و به صلاحدید قضات را داراست.

۲. شرکت داوطلبانه جمعیت کثیری از مردم در حین انجام حکم اعدام در ملاء عام. چیزی که برخی نشأت گرفته از جهل مردم می پندارند، بعضی حتا اعدام در ملا عام را برای ایجاد رعب عمومی و درس عبرت شدن لازم می دانند. و برخی این عمل را غیر انسانی و نشانه بربریت یک جامعه برشمرده و تقبیح می کنند.

آنچه در برخورد با اعدام و رفتارهای جمعی مورد غفلت واقع می شود ریشه دار بودن فرهنگ قربانی در جوامع است، که با استدلالات منطقی گاهی موجه نشان داده شده و از سوئی دیگر تقبیح می شود. این که از بین بردن این ریشه تا چه اندازه و به چه روشهایی ممکن است، قطعاً یکی از روشها آگاهی سازی گسترده است که البته در زمانی کوتاه میسر نمی شود. روش دیگر تغییر سیستم جهانی که باعث ارتکاب جرمهایی می شود که مشمول حکم اعدام می شوند. شاید این روش زاویه دید بسیار بسته ای دارد، زیرا تعریف جرمهایی که مستوجب اجرای حکم اعدام می شود در کشورهای مختلف متفاوت است و قانون مدونی نیز وجود ندارد که جرمها را دسته بندی کرده و مجازات مشخصی را برای هر جرم تعیین کند. مثلاً در ایران، خروج از دین به معنای ارتداد بوده و فرد ملحد مستوجب اعدام است. چنین حکمی در کشورهای سکولار وجود ندارد. در حالی که در برخی کشورها حمل اسلحه یا مقدار مشخصی مواد مخدر مشمول حکم اعدام است، در کشور دیگری حمل اسلحه در قانون مدنی دیده شده و حتا مجوز هم داده می شود. این که سیستم باید تغییر کند تا حکم اعدام لغو شود زیرا که ریشه وقوع جرم خشکانده شود استدلالی است که به بیراهه می رود. تنها روش سهل الوصول، فشار بین المللی برای لغو حکم اعدام در همه کشورها برای تمام جرمهاست. قانونی که کشورهای عضو پیمان نامه مجبور به امضای آن شوند و عدول از آن ممکن نباشد. در میان سازمانهای حقوق بشری، از جمله سازمان عفو بین الملل، و کمیته های حقوق بشری مستقل در کشورها با اعمال فشار به دولتها سعی در لغو یا تخفیف مجازاتهای اعدام در موردهای محکوم دارند تا بتوانند طی فعالیتهای گسترده و گذشت زمان این قانون را به مرحله پیمان نامه ای با امضاء همه کشورها برسانند.

[i] Death penalty statistics, country by country, Amnesty International, published in theguardian

<http://www.guardian.co.uk/news/datablog/2011/mar/29/death-penalty-countries-world>

[ii] History of death penalty, Michael h reggio ,

<http://www.pbs.org/wgbh/pages/frontline/shows/execution/readings/history.html> و Death

Penalty, Gallup <http://www.gallup.com/poll/1606/death-penalty.aspx>

[iii] دین‌های ایران باستان، هنریک ساموئل نیبرگ

[iv] Mithraism, it's Influence on Christianity, Dr. Zartosht Ataollahi, Iran Chamber Society, 2008 : <http://www.iranchamber.com/religions/articles/mithraism-influence-on-christianity.php>

[v] لغت نامه دهخدا

[vi] مهرپرستی ریشه‌های ۴۰ قرن آئین و مذهب در ایران، احسان طبری، راه توده،

<http://www.rahetudeh.com/rahetude/AsareBalini/barresiha-jadid/html/tabari-bakhshe9.html#-ftnref19>

و

نلسون فرای، ریچارد، میترا (مهر) در باستان‌شناسی ایران، ترجمه ابوالقاسم اسماعیل پور مطلق، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، سال دوم، شماره ۲، ۱۳۶۷،

[vii] آئین قربانی، دکتر فریدون آورزمانی، ماهنامه تخصصی منظر، شماره هشتم، تیرماه ۱۳۸۹

[viii] دین‌های ایران باستان، هنریک ساموئل نیبرگ

[ix] Encyclopaedia of Religion and Ethics, Vssarifice, 1974 و تفسیر نمونه و تفسیر المیزان

وزیگموند فروید، توتم و تابو، ترجمه باقر ایرج پور، آسیا

[x] عصر توحش، ترجمه محمود عنایت، هاشمی، ۱۳۶۳ در نولین رید، انسان

و تورات، کتاب تاناخ پادشاهان/ سیفر ملاخیم

(دو پادشاه- ۱: ۳-۲۷)

<http://www.mechon-mamre.org/p/pt/pt09b03.htm#27>

[xi] Plutarxos (Plutarch), Perseus Project :

<http://www.perseus.tufts.edu/hopper/collection?collection=Perseus:collection:Greco-Roman>

[xii] تورات (خروج ۱۷: ۲۰)

[xiii] زیگموند فروید، توتم و تابو، ترجمه باقر ایرج پور، آسیا، ۱۳۶۲